خواهد درج کند نوع الخامس اگه این حرفها اشارت بکوین رشت این سبب از عبدالله عباس نقل میکند که حضرت مرتضی علی علیه السلام
فتنه‌ها را میشناخت از حمعسق و در تفسیر ثعلبی آورده که چون حمعسق نزول آمد صحابه اثر ملالی از چهره حضرت سید المرسلین
مشاهده نموده از او پرسیدند که مرا خبر داده‌اند بلایا که بر امت نازل شود از خسف و قذف و دشمنی که ایشان از در پایان جمع کنند
و بادی که ایشان زاید مادر ها افکنند و انبیاء و علمهای پی در پی از دیگر عیسی ع و خروج دجال نوع السادس اگه این حروف جهة
تنبیه علام است چه سماع آن سامع را از خواب غفلت برانگیزاند و بران دارد که الفاظ مسموع بر وجهی نماید که شاید و قول قطبی
رحمه الله که در لغت امام موثوق به است تائید این سخن میکند آنجا که فرموده که حروف تهجی برای تنبیه آید در معرض لا و نون
السابع اگه مقطعات محل مفصلات سور اند در تفسیر امام ابو اللیث از محمد حکیم نقل میکند که حق سبحانه جمیع احکام و قصص
مصدر بحروف هست دران حروف جمع کرده و آن را نشناسد الا صاحب نبوت یا ولایت بعد از ان جهة تفهیم عوام در جمیع
سوره همت تفصیل داده نوع الثامن اگه این حرفها برای فوق و تفصیل منثورات از منظوم امام علم الهدی آورده که این حروف
منثور الجای تشبیهات نظم چه در غالب نظم را تشبیب می‌آرمانید و مثل این حروف در روا ایراد میکنند پس سامع
این حروف استدلال میکند بر انکه این کلام منثور است و از قبیل اشعار نه و درین روا است بر کافران که حضرت رسالت را
بشعر نسبت میکردند نوع التاسع اگه این حروف تقدیم بر مقدمات تعلیمست عبد العزیز بن یحیی گفته اول احروف مقطعه را مورد
برایشان فرستاد تا وقتی که مولفه و مرکبه نازل کرد و بدان معتاد شده باشند و فهم آن آشنا شده چنانچه صبیان از ابتدا
حال مفردات آموزند و چون ذهن با حروف آشنایی یابد مرکبات تعلیم دهند و این وجه را وقتی صحیح باید دانست که این حروف
با مبادی وحی نازل شده باشد نوع العاشر اگه ایراد این حروف جهة احتجاج کفار است برای آنکه ایشان درباره قرآن میگفتند
ان هذا الا افك افتریه این قران سخنیست که محمد صلعم از خود فرا می‌فد و از ذات خویش افشا میکند و لو نشاء لقلنا مثل
هذا و اگر ما خواهیم مثل این بگوییم رب العالمین این حروف فرستاد و اشارت بانکه این کتاب از همین حروف تهجی است
که مدار لغت و اصول کلام شما بدان دوران دارد پس اگر میتوانید مثل این سوره بیاورید فاتوا بسورة من مثله و احتیاط اکثر
اهل تحقیق این قول است و ازین وجه اعجاز قرآن نیز ثابت میشود و بعضی این صحیفه السر اعیب و منثور موشح بتوقیع لاریب
هم ازین حروف که اصل سخن ایشان بود بدیشان فرستاد و از ایشان طلب کوتاه تر سوره که مثل آن باشد نمود و عجز
فصحا و بلغاء عرب در مقابله آن متوقف شد پس ثابت باشد که این کتاب آسمانی و نامه سبحانی معجز است و توفیق آن بر متعبد
نیز جهة تنبیه است و اگه متحدی بمولف است از ان و تکرار جهة تقریر است در استماع قلوب نوع حادی عشر اگه این
حرفها دلیلست بر صحت نبوت نزول وحی بر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله زیرا که عرب در نطق بمسمیات حروف
برابر بودند خواه امی خواه اهل کتاب اما نطق او باسامی حروف اختصاص داشت بقاری و کاتب و تحصیل صفت کتابت
ورقی و مدارج تمارج تفاوت غرباً مخالطه با معلم و تسلیم او متصور نیست پس از آیه بر همه قرآن روشن بوده که هرگز بدرس

وسبقی

وسبقی التفات ننموده و با هیچ کاتب و قاری مخالطت و آمد و شد نفرموده نطق او باسامی حروف اعتبار باشد از غیب آن نور
بوحی حاصل نشده باشد بیت نگار من که بمکتب نرفت و خط ننوشت : بغمزه مسئله آموز صد مدرس شد : و باگه صد در
تکلم بدین اسما از آنحضرت صلی الله علیه وآله خارق عادت بوده و صورتی چند در ایراد این مقطعات مرعیست که هر ادیب اریب را
که در فن خود فایق و بر اکفا و امثال متفوق باشد در اتیان بمثل آن بعجز و قصور اعتراف نمودن چاره نیست بیت صورت
چین نقش حیرت گر ببیند : فی الحال بعجز خویش اقرار کند : از جمله اگه در فواتح سور مذکور است که چهارده باشد و در اوایل بیست
و نه سوره واقع شده که عدد تمام حروف است بقولی که لام الف را دران داخل ندارند و دیگر اگه از هر یک از انواع حروف مهموسه
و مجهوره و شدیده و رخوه و مکره و منفتحه و منخفضه و لیسه نصف تمام دارد از قلقله بواسطه قلت و از مستعلیه بسبب ثقل آن نصف
اقل از حروف لقیه و حلقیه بجهة کثرت وقوع آن در کلام عرب شمان ورود یافته دیگر مفرد و ثنایی و ثلاثی و رباعی و خماسی آمده
تا موزون باشد بانکه متحدی نه مرکبست از کلماتی که اصول آن مفرد هست و مرکباتش از ثنایین تا خمسه اگه سه مفرد بر سر سه سوره واقع است
ص ق ن اعلام مینماید بانکه مفردات اصول هر سه قسم اند یعنی اسم و فعل و حرف و اگه ثنائیات چهارند طه طس و
یس و حم جهة آنست که کلمات ثنایی چهار نوع یافت شود در حرف بی حذف چون بل در فعل بحذف چون قل و در اسم
بهر دو نوع با حذف چون دم و بی حذف چون من بر سر سوره وقوع یافته اشارتست بانکه ثنائیات و هر یک از اقسام
ثلاثه بر سه وجه اید بحسب اعراب در اسما چون ذو و من و اذ و دران حال اینقل خف و بع و در حرف چون قد و من و ان و اگه
ثلاثیات سه اند الم الر طسم اشارتست بانکه کلمه ثلاثی در هر سه قسم آید در اسم رجل و در فعل ضرب و در حرف علی و دراگه
بر سیزده سوره واقع شده تنبیه است بر انکه اصول ابنیه مستعمله سیزده است و تعلق باسما دارد و سه بافعال و اگه رباعیات
دو اند المص المرا ایمائیست بانکه رباعی را اصلیست چون جعفر ملحق چون قردد و اگه خماسیات نیز دو آمده که
کهیعص و حمعسق اشارتست باصل خماسی چون سفرجل و ملحق او چون جحنفل این سخنان علما ظاهر است و ارباب تحقیق را نیز ازین
باب نکته‌ها هست یکی اگه مقطعات بی تکرار چهارده اند برین ترتیب ا ل م ر ک ه ی ع ط س ح ق ن که
او و همزه و نون افاده که حرف تحقیق است و مرکزهی وی که اشارتست یعنی تحقیق آنچه میطلبی در دست با خود مطلوب
عرفا و محققان اوست در بیان فی اعجاز القرآن آورده که این حروف ظاهر چهارده است و در تلفظ بدو چهار حرف که ظهور
میکند الف و فا و دال و واو و مجموع هژده باشد و هر یکی جامع اسرار هزار عالم پس اهل کشف بدین هژده حرف بر سر هژده هزار
عالم واقف میشوند حضرت شیخ قدس سره در فتوحات فرموده که حروف مقطعه در اوایل سور بتکرار هفتاد و هشت است
ثمانیه از حقیقت آن بضع واقع شد که در حدیث آمده است الایمان بضع و سبعون و عدد پس چون خود بجای
و هفتاد را اسرار ایمان وقتی که بکمال رسد که بحقایق این حروف در سر سوره عالم شود و اگر کسی گوید بضع عدد مجمل
و مبهم است از ما فوق واحد تا تسعه پس قطع آن بر ثمانیه از کجا معلوم کردی گوییم از طریق کشف و آن کیفیت معتمد علیه

Copyright © King Saud University